

نگره

ابتکار چین برای مسأله فلسطین بدون حضور ایران  
**تهران با طرح پکن مخالف است یا موافق؟**

رسانه‌های دولتی چین می‌گویند حماس و فتح، دو جناح بزرگ رقیب در فلسطین، بیانیه‌ای را برای پایان دادن به شکاف طولانی مدت خود در نحوه سیاست ورزی در برابر اسرائیل و در روش مبارزه برای اتحاد فلسطین در توافقی با میانجی‌گری پکن امضا کرده‌اند. تصاویر ویدئویی منتشر شده توسط رسانه‌های دولتی چین نشان می‌دهد که وزیر خارجه این کشور پس از دیداری که در پکن برگزار شد، همراه با نمایندگان جناح‌های فلسطینی از جمله حماس و فتح راه می‌رود. وزیر امور خارجه چین روز سه شنبه اعلام کرد که جناح‌های فلسطینی متعهد شده‌اند که در مذاکرات آشتی‌جویانه خود در پکن به اختلافات پایان دهند. ابومرزوق، مقام ارشد حماس که در این نشست حضور داشت، گفت: «امروز ما توافقنامه‌ای را برای وحدت ملی امضا می‌کنیم و می‌گوییم که مسیر تکمیل این سفر وحدت ملی است. ما به وحدت ملی متعهد هستیم و خواستار آن هستیم.» این توافق زمانی در پایان مذاکرات آشتی در پکن صورت گرفت که در آن ۱۴ جناح سیاسی فلسطینی با وزیر امور خارجه چین دیدار کردند. چین گفته که وزارت خارجه به تلاش‌های بی‌وقفه برای دستیابی به این اهداف با همه طرف‌های مربوطه ادامه خواهد داد. فتح توسط محمود اللول، معاون رئیس کمیته مرکزی آن، نمایندگی می‌شد، در حالی که موسی ابومرزوق، نمایندگی حماس را بر عهده داشت. این توافق از تلاش‌های صادقانه چین برای حمایت از حقوق فلسطینیان، پایان دادن به تفرقه و متحد کردن مواضع فلسطینیان قدردانی می‌کند. این نشست بر لزوم برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی گسترده و کاملاً مجاز تحت نظارت سازمان ملل متحد با مشارکت منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید دارد. گفت‌وگو در پکن همچنین روحیه مثبت و سازنده‌ای را نشان داد و موافقت کرد که به وحدت ملی جامع در چارچوب سازمان‌آزادبخش فلسطین تنها نماینده مشروع مردم فلسطین در سازمان ملل، دست یابد. این قطعنامه خواستار ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی به پایتختی اورشلیم بر اساس قطعنامه‌های مربوطه سازمان ملل متحد و حفظ تمامیت‌ارضی فلسطین، از جمله کرانه باختری، اورشلیم و غزه است. در این بیانیه همچنین آمده است که یک دولت موقت آشتی ملی بر اساس اجماع جناح‌های فلسطینی و قانون اساسی فلسطین تشکیل خواهد شد تا بازسازی غزه را انجام دهد و در اسرع وقت مطابق با قانون انتخاباتی تصویب شده برای انتخابات عمومی آماده شود. قابل توجه‌ترین نکته در این توافق، اجماع حاصل شده در مورد حکومت پس از جنگ در غزه و تشکیل یک دولت موقت آشتی ملی است. ناظران سیاسی می‌گویند این قوی‌ترین درخواست برای ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی بر اساس قطعنامه‌های مربوطه سازمان ملل متحد و اولین گام دستیابی به یک آتش بس آرام و پایدار در غزه در اسرع وقت و اطمینان به دسترسی جامع به کمک‌های بشردوستانه و امداد رسانی است. گام دوم ترویج ایده تشکیل حکومت مشترک پس از جنگ در غزه و پایبندی به اصل «حکومت فلسطینیان» است. گام سوم این است که فلسطین را به عضویت کامل سازمان ملل متحد درآورد و اجرای «راه حل دو کشور» را آغاز کند. این سه مرحله به هم پیوسته و ضروری هستند.

#### تلاش چین برای ایده ۲ کشور

سازمان آزادبخش فلسطین ائتلافی از احزاب به رسمیت شناخته شده بین‌المللی است که در سال ۱۹۹۳ بمیان صلح با اسرائیل را امضا کردند و دارای یک کرسی ناظر دائمی در سازمان ملل متحد است. فتح هم بر سازمان آزادبخش فلسطین و هم بر تشکیلات خودگردان فلسطینی که بخشی از کرانه باختری تحت اشغال اسرائیل را اداره می‌کند، تسلط دارد، در حالی که حماس نوار غزه را اداره می‌کند. در بیانیه‌ای که پس از مراسم امضا منتشر شد، جناح‌ها توافق کردند که یک دولت موقت آشتی ملی برای حکومت بر غزه پس از جنگ تشکیل دهند. امضای روز سه شنبه آخرین ابتکار عمل یا میانجی‌گری چین پس از آن است که این کشور در سال گذشته به بازگرداندن روابط دیپلماتیک بین عربستان سعودی و ایران کمک کرد. کارشناسان سیاسی فلسطینی به طور کلی این توافق را به عنوان تکرار چندین بیانیه آشتی قبلی، از جمله توافق ۲۰۲۲ امضا شده توسط ۱۴ جناح فلسطینی در الجزیره، ارزیابی و نسبت به اجرای مفاد آن امیدوار نیستند. تا به امروز، هیچ یک از این تلاش‌ها هیچ تغییر پایداری در شکاف حماس و فتح ایجاد نکرده است به ویژه آنکه برخی ناظران سیاسی معتقدند اگر ایران مشارکت کننده مذاکرات فلسطین نباشد، در عمل نمی‌توان تیسیری در سیاست‌های خاورمیانه ملاحظه کرد. چه آنکه جزئیات این توافق چارچوب زمانی برای تشکیل دولت جدید تعیین نکرده است. جناح‌های فلسطینی که مدت‌ها با هم ستیز دارند، پیش از این و پس از آنکه حماس، اعضای فتح را در یک جنگ کوتاه در سال ۲۰۰۷ از غزه اخراج کردند، نتوانستند اختلافات سیاسی خود را بهبود دهند. جناح‌های رقیب حماس و فتح برای اولین بار در ماه آوریل در پکن بی‌حث در مورد تلاش‌های آشتی برای پایان دادن به حدود ۱۷ سال اختلافات دیدار کردند و این اولین بار است که یک هیأت حماس از زمان آغاز جنگ در غزه به چین سفر می‌کند. مقامات چینی در ماه‌های اخیر حمایت از فلسطینی‌ها را در مجامع بین‌المللی افزایش داده‌اند و خواستار یک کنفرانس صلح در مقیاس بزرگ تر اسرائیل و فلسطین و یک جدول زمانی خاص برای اجرای راه حل دو کشور شده‌اند. ناظران سیاسی معتقدند غیبت ایران در چنین نشستی ناشی از عدم قبول راه حل دو کشوری است که برخی گروه‌های فلسطینی، چین و آمریکا از آن حمایت می‌کنند. چه آنکه در اسرائیل نیز حزب لیکود که نتانیاهو نمایندگان آن را عهده دار است از مخالفان سرسخت راه حل دو کشوری هستند. اما آنچه بیانیه پکن را برجسته می‌کند تلاش چین به مثابه قدرتی شرقی برای ایجاد اجماع در گروه‌های فلسطینی بر سرایده دو کشوری است. موضعی که در آینده‌ای نه چندان دور، ایران را نیز در وضعیت تعیین موضع نسبت به پذیرش یا رد ایده دو کشوری قرار خواهد داد. ایده‌ای که تاکنون دو اجماع شرقی و غربی در حمایت از آن شکل گرفته است.

تقی آزادارمکی در گفت‌وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد:

## فرستی برای بازنگری در گفتمان اصلاحات



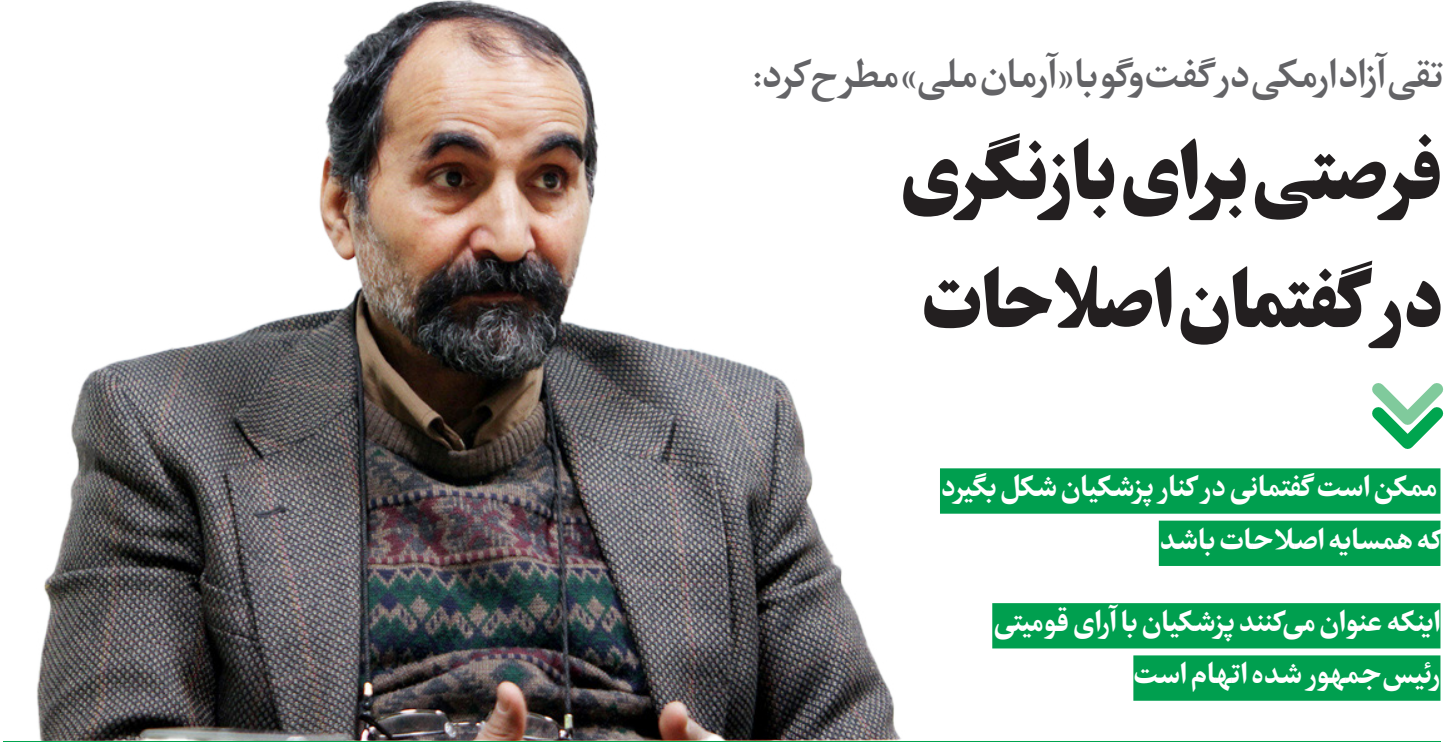
**ممکن است گفتمانی در کنار پزشکیان شکل بگیرد**

**که همسایه اصلاحات باشد**

**اینکه عنوان می‌کنند پزشکیان با آرای قومیتی**

**رئیس جمهور شده اتهام است**

شنبه ۰۵ ۰۵ ۱۴۰۳  
سال پنجم شماره ۱۸۸۴  
armanmeli.ir  
۲۱ محرم ۱۴۴۴ / ۲۷ جولای ۲۰۲۴



آرمان ملی- احسان انصاری: پزشکیان دارای چه گفتمانی است؟ آیا دولت پزشکیان به دنبال گفتمان سازی حرکت خواهد کرد؟ چه لوازم و ابزار را در اختیار پزشکیان برای این کار وجود دارد؟ آیا پزشکیان قصد دارد دولت سوم اصلاحات باشد؟ آیا شرایط به وی اجازه می‌دهد چنین ادعایی داشته باشد؟ پزشکیان به چه میزان خود را مقید به گفتمان اصلاح‌طلبی خواهد دانست؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر تقی آزادارمکی، جامعه‌شناس گفت‌وگو کرده است. آزادارمکی معتقد است: آن چیزی که پزشکیان به صراحت عنوان می‌کند تشکیل دولت وحدت ملی است که از همه گروه‌ها و جریان‌های فکری

و سیاسی در آن نقش ایفا کنند. این گفتمان بیشتر میل به توسعه و توسعه‌گرایی دارد تا دموکراسی خواهی. اگر این گفتمان را در زمینه حقوق شهروندی و جامعه مدنی مورد توجه قرار بدهیم به سمت اصلاح‌طلبی تمایل پیدا می‌کند و اگر فشارهای بیشتری روی آن وارد شود می‌تواند به سمت اصولگرایی در راستای کاهش ناپرابری و توجه به طبقه پایین جامعه نیز سوق پیدا کند. نکته مهم در این زمینه این است که چه کسی در مابینه قرار می‌گیرد و بازی را بسازد. من هنوز کسی را در کنار پزشکیان نمی‌بینم که دارای چنین قدرتی باشد.» در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

جوان‌گرایی در مدیریت کشور هستیم و معتقدم رویکردی که در این زمینه در پیش گرفته شده فرصت ممتنمی است تا مدیریت کشور پس از ۴۴ سال پوست اندازی کند. آقای آذری جهرمی یکی از جوانانی بود که در دولت آقای روحانی مطرح شد و امروز با توانایی و صلاحیتی که دارد می‌تواند خود را به عنوان یک رئیس‌جمهور با رویکرد ملی مطرح کند. آیا این اتفاق کمی بوده است؟ این نتیجه اعتماد به جوانان متخصص خواهد بود. تجربه برخی افراد در سیستم وجود دارد و می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. به عنوان مثال تجربه آقای طیب نیا در سیستم وجود دارد و نیاز نیست خود ایشان حضور داشته باشد. آقای رئیسی نیز تلاش کرد مدیران جوان را به چرخه مدیریت کشور اضافه کند، اما برخی از این جوانان از توانایی کافی برخوردار نبودند و نتوانستند عملکرد موفقی داشته باشند. اغلب وزرای رئیسی مانند هم بودند و هیچ تفاوتی بین آنها وجود نداشت حتی در زمینه پوشیدن لباس. در واقع همه رئیسی بودند و شخص دیگری در کابینه حضور نداشت. این در حالی است که در کابینه باید دیدگاه‌های متفاوت با تفکرات متفاوت وجود داشته باشد تا بهترین تصمیم‌ها گرفته شود.

**برخی از طرفداران جلیلی و اصولگرایان تندرو تلاش می‌کنند نقش قومیت را در پایگاه اجتماعی پزشکیان پررنگ‌تر از جوجه مدنی و دموکراتیک انتخاب پزشکیان جلوه بدهند. دیدگاه شما در این زمینه چیست؟**

در این زمینه یک خلط مبحث صورت گرفته و آن نیز این است که ترک‌ها را قومیت می‌دانند در حالی که ترک‌ها اصلی‌ترین مردم ایران هستند و ۳۰ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند. اینکه پزشکیان با آرای قومیتی به ریاست جمهوری رسیده بیشتر یک اتهام است تا واقعیت. پزشکیان تنها در منطقه غرب کشور آرای بیشتری به دست آورده‌اند اما در مناطق دیگر کشور نیز آرای بالایی داشته‌که به ریاست جمهوری رسیده است. برخی تلاش می‌کنند مسیر دولت پزشکیان را تغییر بدهند که می‌تواند برای کشور خطرناک باشد. اصولگرایان تندرو که به این موضوع دامن می‌زنند می‌تواند زمینه‌های نوعی واگرایی را به وجود بیاورد که این واگرایی برای امنیت ملی و نظام سیاسی نیز ممکن است چالش ایجاد کند.

**بازندگان انتخاباتی از فدای انتخابات تلاش کردند پزشکیان را تحت فشار قرار بدهند. از سوی دیگر دولت در سایه به مسأله‌ای در فضای سیاسی کشور تبدیل شده که صدای اصولگرایان را نیز درآورده است. ارزیابی شما از رفتارشناسی مدعیان دولت در سایه چیست؟**

در همه جای دنیا مرسوم است که بازندگان انتخاباتی پس از پیروزی رقیب سکوت می‌کنند و پس از مدتی عملکرد دولت مستقر را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند. این در حالی است که بازندگان در ایران غیرمدنی هستند و شکست را نمی‌پذیرند. به عنوان مثال کسانی که شکست خورده بودند فهم و درک مردم را برای رأی دادن به پزشکیان زیر سوال بردند. این اتفاقات نشانه‌هایی از سقوط گفتمان اصولگرایی است که در ایران در حال رخ دادن است. من انتظار نداشتم که اصولگرایی در ایران زودتر از اصلاح‌طلبی دچار اضمحلال شود، اما اصولگرایی بیشتر دچار آفت شده است. در زمینه دولت در سایه نیز باید عنوان کرد جلیلی حق ندارد دولت در سایه تشکیل بدهد. جلیلی چه کاره است که باید دولت در سایه تشکیل بدهد؟ وی متعلق به کدام جریان و تفکر است که مدعی دولت در سایه است؟ از سوی دیگر هزینه دولت در سایه را از کجا می‌آورد؟ این نکته عجیبی است که جلیلی خود را با این همه اتهام نماینده انقلاب می‌داند.

**آن چیزی که پزشکیان به صراحت عنوان می‌کند تشکیل دولت وحدت ملی است**

**که از همه گروه‌ها و جریان‌های فکری و سیاسی در آن نقش ایفا کنند. این گفتمان بیشتر میل به توسعه و توسعه‌گرایی دارد تا دموکراسی خواهی. اگر این گفتمان را در زمینه حقوق شهروندی و جامعه مدنی مورد توجه قرار بدهیم به سمت اصلاح‌طلبی تمایل پیدا می‌کند و اگر فشارهای بیشتری روی آن وارد شود می‌تواند به سمت اصولگرایی در راستای کاهش ناپرابری و توجه به طبقه پایین جامعه نیز سوق پیدا کند**

طلبی تمایل پیدا می‌کند و اگر فشارهای بیشتری روی آن وارد شود می‌تواند به سمت اصولگرایی در راستای کاهش ناپرابری و توجه به طبقه پایین جامعه نیز سوق پیدا کند. نکته مهم در این زمینه این است که چه کسی در مابینه قرار می‌گیرد و بازی را بسازد. من هنوز کسی را در کنار پزشکیان نمی‌بینم که دارای چنین قدرتی باشد. این در حالی است که پزشکیان و اصلاح‌طلبان نیز چنین اراده‌ای خود نشان نمی‌دهند. من معتقدم پزشکیان نه اصلاح‌طلب است و نه اصولگرا.

**چرا پزشکیان را نه اصولگرا و نه اصلاح‌طلب می‌دانید؟**

پزشکیان یک عنصر میانه است که میل به اصلاح‌طلبی دارد و نزاعی نیز با اصولگرایی ندارد. پزشکیان تنها با اصولگرایی رادیکال مشکل دارد و با اصولگرایی معتدل و میانه مشکلی ندارد. رفتار پزشکیان پس از انتخابات نیز خوبی این نکته را نشان می‌دهد که وی موقعیت‌هایی مانند هیات‌ها و مراسم‌های مذهبی که معمولاً به نام اصولگرایی بوده را به نام خود کرده و با حضور در این مراسم‌ها تلاش می‌کند این موقعیت‌ها را به نام خود کند. در واقع پزشکیان تلاش کرده خود را در قامت یک رئیس‌جمهور ملی مطرح کند.

**نحوه و نوع انتخاب کابینه پزشکیان را با چه چالش‌ها و فرصت‌هایی همراه می‌دانید؟**

من فکر می‌کنم در زمینه انتخاب کابینه آقای پزشکیان اتفاق مبارکی رخ داده که هر نتیجه‌ای داشته باشد زیبا و دلنشین خواهد بود. این اتفاق مبارک نیز این است که قرار است بگردیم که آیا بهتر و مناسب‌تر از افرادی که تاکنون می‌شناسیم کسی را پیدا می‌کنیم یا خیر. این نوع انتخاب به نوعی اعتراض به افراد از پیش تعیین شده هم است. آقای جلیلی عنوان می‌کرد ما برنامه داریم و افرادمان نیز مشخص است. این سخن به خوبی نشان می‌دهد که در این زمینه انحصارگرایی وجود دارد و قرار است افراد در یک سیکل بسته انتخاب شوند. من مدافع

**در همه جای دنیا مرسوم است که بازندگان انتخاباتی پس از پیروزی رقیب سکوت می‌کنند و پس از مدتی عملکرد دولت مستقر را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند. این در حالی است که بازندگان در ایران غیرمدنی هستند و شکست را نمی‌پذیرند**

**یادداشت**

**هنر کنار رفتن بهنگام از قدرت**



**جلال خوش‌چهره**

**کارشناس مسائل بین‌الملل**

کناره‌گیری «جو بایدن» از رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، اگرچه برای ما هنوز هم بهنگام است. ژنرال «شارل دوگل» قهرمان مقاومت ملی فرانسه مقابل ارتش اشغالگر آلمان نازی، در نخستین سال‌های پیروزی ملتش در نیمه دوم دهه ۱۹۴۰ میلادی وقتی مجبور به استعفا از ریاست جمهوری این کشور شد، جمله‌ای درس‌آموز برای همه سیاستمداران به زبان راند: «باید صرف‌نظر کنم، پیش از آنکه از من صرف‌نظر کنند.» این پیام، یک نکته کلیدی و بسا حیاتی را به هر سیاستمداری در جهان که یا از خود کارنامه‌ای موفق به جا گذاشته‌اند یا بر چنین تصویری هستند، انداز می‌دهد؛ اینکه سیاستمدار خوب باید بداند چه زمان از پشت میز قدرت کنار برود، در غیر این صورت به‌گونه‌ای رفت‌بار کنار گذاشته خواهد شد. این تجربه برای «وینستون چرچیل» نخست‌وزیر بلند آوازه بریتانیا نیز تکرار شد. او پس از اشتباه در اصرار برای ماندن در قدرت و سپس قبول شکست سنگین از رقیب انتخاباتی‌اش گفت: «گاه برای بیشتر ماندن، باید عزیمت کرد.» این سیاستمداران خبره سر هستند که تنها تجربه‌های خود را باور دارند و آنچه بر سر دیگر سیاستمداران آمده را نه در سن آموز، بلکه گندابی تفسیر می‌کنند که با یادگیری نمی‌آزد. جو بایدن درست در مرز چنین ارتکابی قرار گرفته بود؛ وقتی همه ناصحان حزبی و ناظران، او را به عقب‌نشینی از میز قدرت دعوت می‌کردند، اما او به پشتوانه

تجربه بیش از نیم‌قرن حضور موفق در صف نخست سیاست ایالات متحده؛ اعم از کنگره، معاونت ریاست جمهوری و مسند ریاست جمهوری، همچنان باور داشت که می‌توان به رغم کهنولت سن و ناتوانی‌های مرتب بر آن، برای دومین بار با رقیب قدری چون «دونالد ترامپ» و وارد رینگ مبارزات انتخاباتی شود، اما در اینجا دو اتفاق رخ داد: نخست «هوشمندی» مردم هوادار که تا همین حالا او را به عنوان سیاستمدار و رئیس جمهوری زبردست می‌شناختند. آنان بر این باور شدند که بایدن با همه بزرگی‌ها و بی‌باکی‌های لازم برای یک سیاستمدار، اما در این زمینه نیز رئیس‌جمهوری لایق برای کشورش باشد. هوشمندی هواداران حزبی و جمعیت خاکستری از این روست که آنان به درستی می‌دانند که چه چیز را باید از رئیس‌جمهور خود بخوانند. همچنین آیا او در صورت پیروزی دوباره در انتخابات به اندازه خواست‌های آنان می‌تواند باشد؟ دوم؛ جو بایدن با قبول کناره‌گیری از رقابت انتخاباتی، نشان داد که درک روشنی از مفهوم «مصلحت» دارد؛

یعنی همانی که به پیگیری انعطاف‌پذیر منافع حزبی و ملی براساس قضاوتی واقع‌بینانه از شرایط تفسیر می‌شود. اکنون صحنه سیاسی ایالات متحده از چهره‌ای ریشه‌دار در این کشور و بلکه سیاست جهانی در حال خالی شدن است. او در شمار آخرین بازماندگان از نسل سیاستمداران ریشه‌دار در جهان غرب است که امروزه تنها نامشان در خاطره‌ها پرسه می‌زند؛ اما جایشان در این بزنگاه خالی است. سیاستمدارانی که برخی از آنان تا اوایل قرن بیست و یک میلادی هنوز در صحنه بودند. آنان هنر مدیریت بحران در سخت‌ترین شرایط را به‌نمایش می‌گذاشتند. سیاستمدارانی چون؛ فرانکلین روزولت، وینستون چرچیل، جوزف استالین، شارل دوگل، کنراد ادنایر، لهومت اشمیت، ریچارد نیکسون، فرانسوآ میتران، والرئ ژیسگاردستن و.... خوب یا بد، اینکه از چه منظری به کارنامه جو بایدن در بیش از نیم‌قرن گذشته نگریسته شود، در جایگاه یک ناظر بی‌طرف، نمی‌توان نقش تأثیرگذار او را در تحولات جهانی نادیده گرفت. کارنامه او در بازسازی چهره ایالات متحده نزد متحدانش نمره بالا دارد. او توانست با رد دیگر جبهه غرب را مقابل هژمونی در حال شکل‌گیری شرق، متحد کند؛ روسیه را از قدرت جهانی تا قدرت منطقه‌ای نزدیک کند. چین را به شراکت و رقابت به جای نزاع وادارد. اگرچه در خاورمیانه فاقد هرگونه امتیاز درخور است، ولی برجسته‌سازی مرز تمایلات واشنگتن با تل‌آویو، روزگار به نسبت سختی را برای افراتیون اسرائیلی رقم زد. البته او به سباق اسلاف خود، همچنان معیار دوگانه را در قبال کشورهای منطقه دنبال کرد و در جایگاه متحد اسرائیل، شریک جنایات صهیونیست‌ها علیه مردم بی‌دفاع فلسطین شد. واقعی‌تر در قضاوت برای کنارگیری بایدن از رقابت‌های انتخاباتی آن است که او سرانجام مجبور به چنین کاری شد، اما این اقدام دیرهنگام، بسا ورا از قبول شکست رفت‌بار هاند. او شاید دید دوگل را پذیرفته است که گفت: «صرف‌نظر می‌کنم، پیش از آن‌که از من صرف‌نظر کنند.» کنار رفتن بهنگام از قدرت؛ هنر سیاستمداران کارکننده است.